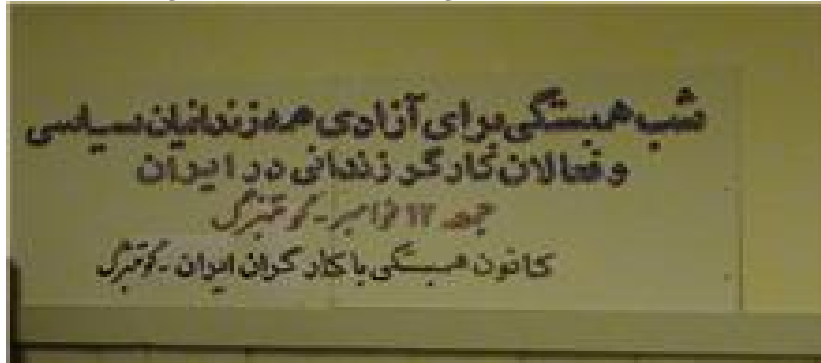


گزارش خبری

کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوئد)

از مراسم شب همبستگی برای آزادی همه زندانیان سیاسی و فعالان کارگر زندانی در شهر گوتنبرگ - سوئد



با درود بر شما خوانندگان عزیز

برنامه شب همبستگی با کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، توسط فعالین "کانون همبستگی با کارگران ایران" گوتنبرگ "سوئد" در جمعه 12 نوامبر برابر 21 آبان در این شهر برگزار شد. سالن انباشته از عکس های مبارزات کارگران و همه فعالان جنبش های اجتماعی ایران اعم از زنان، مادران پارک لاله - دانشجویان - پرستاران - معلمان - تجمعات خانواده های زندانیان سیاسی و مبارزات کارگران ایران بوده است.

برنامه توسط یکی از سخنگویان کانون گشایش یافت و در آغاز با یاد همه جان باختگان راه آزادی و دموکراسی و برابری در ایران که طی بیش از سی سال حاکمیت نظام سرمایه داری ایران، جان خود را از دست داده اند، یک دقیقه سکوت اعلام شد.

برنامه های شب همبستگی معرفی شد که از جمله آنان دریافت پیام هایی از فعالان کارگری رفقا مریم محسنی از چهره های شناخته شده فعال کارگری و زنان و از دستگیر شده پارک لاله تهران و نویسنده دهها مقاله در رابطه با زنان - معلمان و مشکلات کارگران درون کشور، بهروز خباز از فعالان کارگری داخل ایران و سخنگوی پیشین " کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" و پیام تلفنی محمود صالحی به مراسم شب همبستگی - گوتنبرگ و همچنین گفتگوی امیر جواهری یکی از سخنگویان کانون همبستگی... معرفی گردید. مجری برنامه اعلام داشت: این پیام ها تماما در جریان برنامه به اطلاع حاضرین خواهد رسید.



شعرخوانی رفیق فرخ قهرمانی از زندانیان سابق رژیم جمهوری اسلامی و فعالین کانون همبستگی، معرفی لیست زندانیان سیاسی که از ایران دریافت گردید. فیلم فراهم آمده توسط رفیق مان داوود رحیمی، در فرصتی مناسب در سایت کانون جا خواهد گرفت. بعد از انتراکت، در بخش دوم برنامه ابتداء پیام مریم محسنی توسط فرخ قهرمانی قرائت شد که با استقبال حاضرین روبرو شد و آنگاه رفیق عسکر شیرین بلاغی پیام دریافتی رفیق بهروز خباز را قرائت کرد.



آنگاه پیام تلفنی محمود صالحی چهره شناخته شده جنبش کارگری داخل کشور، پخش شد. محمود صالحی در این پیام کوتاه بیش از هر چیزی بر مضمون "زندانی سیاسی" تاکید داشتند. محمود صالحی یاد آور شد: "از نظر من زندان سیاسی در کشور ما تعریف نشده است. گفتند: در قبال عدم پذیرفته شدن مفهوم زندانی سیاسی در ایران و در نزد زندانبانان رژیم، در دهه 60 واژه "ضد انقلاب" را بکار می گرفتند و امروز به آنان "امنیتی" می گویند. در حالی که اینها زندانی سیاسی اند. محمود صالحی در این پیام یاد آور شد: "زندانی سیاسی، کسی است که به حاکمیتی که امروز در حکم صادر می کند، می گوید؛ من معترضم. من می گوید؛ من به معضلات و به مشکلاتی که در سطح جامعه است، من به آن معترضم. زندانی سیاسی در دل همین جامعه پیدا شده است و در دل همین جامعه فکرمی کند و به این وضعیت معترض است. بچه هایی که امروز آنجا (مراسم شب همبستگی با زندانیان سیاسی) نشستند و دارند در رابطه با زندانیان سیاسی صحبت می کنند، باید اینرا در نظر داشته باشند که این فرهنگ رابرجسته کنیم که زندانیان سیاسی به این اشخاص معترض اطلاق می گردد" حاضرین با دریافت این پیام کوتاه، با شعور و شغف نشت زدند.



در بخش پایانی مراسم، امیر جواهری یکی از سخنگویان کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ، گفتاری را با عنوان: **" چرا شب همبستگی با کارگران زندانی به همراه دیگر زندانیان سیاسی رابریا می داریم؟"** با حاضرین به بحث گذاشت.

در بخشی از این گفتار آمده است:

از آن تاریخ که ایده برپایی شب همبستگی با زندانیان سیاسی و زندانیان کارگر را در نشست های کانون ما به میان کشیدیم، همه فعالان کانون، خود را با این ایده همراه دیدند. از آن تاریخ تا به امروز بیش از یکماه می گذرد. انجام دهها برنامه مختلف سیاسی - فرهنگی - اجتماعی در شهر که توسط گروه بندی های گوناگون برگزار شد. مانع از برپایی زود تر این برنامه گردید. با این همه خوشحالیم از این که امشب گرد هم می آیم تا گپی با هم داشته باشیم.

پیام های دریافتی و بویژه تاکید رفیق محمود صالحی بر مضمون زندانی سیاسی و تفکیک جوهری آن از زندانی عادی با هر نوع جرم تراشیده شده برای آنان - که خود بیش از هر چیزی قربانیان همین نظام در جامعه ما هستند- مسئولیت ما را بیشتر می گرداند. بر شماری عناصر بحث رفیق مریم محسنی بویژه آنجا که تاکید می دارد: **"... صفوف خود را به هم فشرده**

میان خود غلبه کنیم و از هر نوع اقدامی که در میان ما شکاف ایجاد می کند بپرهیزیم. جنبش کارگری جنبش تک ستاره ها نیست. جنبش کارگری، جنبش ورزش پرشکوه میلیونها انسان برای محو نظامی است که در آن قرار است "هیچ بودگان هرچیزگردند..." و آنجا که رفیق بهروز خبازی گوید: "من به رفقای" کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ" برای تدارک و برگزاری این مراسم خسته نباشید می گویم و به تک تک فعالینی که بی دریغ از مبارزات کارگران و پیشگامان کارگری حمایت کرده و تشکل های کارگری دیگر کشورها را به حمایت از جنبش مستقل کارگری ایران فرا می خوانند صمیمانه درود می فرستم و دست شان را به گرمی می فشارم." برای ما فعالان " کانون همبستگی با کارگران ایران " و نهاد های همبستگی با کارگران در سراسر اروپا، کانادا و آمریکا، جای تردید را باقی نمی گذارد که وظایف توأمانی را در برابر خود داشته و داریم.

یکم اینکه؛ از مضمون و جوهره زندانی سیاسی در برابر رژیم زندان و شکنجه دفاع کنیم و تعریف زندانی سیاسی و جرم را جا بیندازیم و رژیم را در برابر اتهام "امنیتی"، "خرابکار"، "ضد انقلاب" نامیدن زندانی سیاسی خلع سلاح نماییم. دوم اینکه؛ از تک ستاره کردن جنبش کارگری بپرهیزیم بلکه مبارزات همه جانبه کارگران ایران را، جنبش ورزش پرشکوه میلیونها انسان برای محو نظام سرمایه داری ایران بشناسیم.

سوم اینکه؛ تشکل های کارگری جامعه میزبان (سوئد) و دیگر کشورهای رابه حمایت از جنبش مستقل کارگری ایران فراخوانیم و در انجام این راه از هیچ چیز دریغ نوزیم.

فعالان "کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ" تا به امروز در همگامی با دیگر نهادهای کارگری موازی خود، در همین راستا گام برداشته است. ولی مضمون پیام های رسیده از جانب فعالان شناخته شده کارگری به نشست امشب، ما را بیش از پیش در تعقیب این وظایف رهنمون و راغب تر می سازد.

باید اضافه کنم؛ امروز در ایران و در نبرد بین کاروسرمایه، برای اولین بار، بطور جدی زمینه ی ایجاد همبستگی طبقاتی و مطالباتی میان زحمتکشان جامعه ایجاد شده است. اکنون آن اکثریت عظیمی که زیر خط فقر زندگی می کنند و زیر فشار قرداد های موقت هر روز در برابر اخراج ها و بیکار سازی ها و یا عدم دریافت حقوق های معوقه، به صف می شوند و با سیاست زدیده شدن نان شب شان از سفره های خود، توسط حاکمان سرمایه داری روبرو شده اند. بتدریج درمی یابند که حکومت اسلامی نه تنها آزادی های اجتماعی و سیاسی شان را گرفته بلکه در صدد است تا لقمه ی نانشان را هم بگیرد. حالا دیگر خواست های آزادیخواهانه سیاسی - عمومی دردل مبارزه مردمان ایران با خواست های بیواسطه مطالباتی در کنار هم قرار گرفته اند و زمینه ی اتحاد طبقاتی اردوی کار و زحمت را فراهم آورده است.

اگر بپرسید اهمیت این جنبش مطالباتی در شرایط حاضر در چیست؟ می توان گفت؛ بیش از هر چیز، جنبش مطالباتی جاری در متن بزرگ ترین شوک تری تاریخی معاصر ایران، تحت نام شب" حذف سوبسید ها یا هدفمند کردن یارانه ها"، غلیبرغم اینکه هدفمندی ای در کار نیست، در حال شکل گیری است. حذف یارانه ها شیخ شورش نان را در سراسر کشور، توده وسیع خط فقر رابه حرکت در آورده است. هر چند رژیم جمهوری اسلامی حتی قبل از شروع حذف یارانه ها، سازماندهی ویژه ای تحت عنوان "امنیت محله محور" برای مقابله با خطر شورش محلات مختلف کل شهر تهران آماده ساخته است. شکل گیری جنبش مطالباتی در واحدهای تولیدی بزرگ از یکطرف، در بخش های خدماتی شهرداری ها و کارکنان بیمارستان ها و سرویس های شهری و دیگر بخش ها و در میان معلمان، پرستاران، و بازنشستگان می تواند در چنین بستر مساعدی به سرعت سراسری شده و با جنبش تهیدستان شهر و روستا؛ با جنبش توده های حاشیه تولید پیوند یافته و به جنبش مطالباتی عموم اردوی کار و زحمت در برابر سرمایه داری حاکم فراروید. جنبش مطالباتی کارگری با قوام بخشیدن به شورش های تهیدستان شهر و روستا، همچنین مانع از آن خواهد شد که این شورش ها به طغیان های کور و موقتی مبدل شوند. طغیان هایی که هدف خشونت بارتترین سرکوب های رژیم اسلامی قرار گرفته و دیرو یا زود دچار افول خواهند شد.

دردل این همه حوادث، ما با لیست بلندی از دستگیری فعالان کارگری، زندانی شدن آنان، آزادی با وثیقه چند صد میلیونی، و پرونده پشت پرونده آنان روبرو هستیم که همچنان باز است. فرصت اینکه همه آنان را بر زبان آوریم نیست. یاد آور گردیم؛ در کنار لیست دهها، صد ها و صد ها زندانی که کانون ما - لیست موثق اندک آنانرا - فراهم آوردیم در کنار هم می نهیم و نام همه آنها را گرامی می داریم و خواهان آزادی بی قید و شرط همه آنان بعنوان فعالان زندانی سیاسی می باشیم. جهت اطلاع اسامی و تعداد زندانیان کارگر را اعلام می داریم:

1 - منصور اسالو...2- ابراهیم مددی 3- رضا شهابی 4- غلامرضا غلام حسینی...5- همایون جابری... که از بچه های سندیکای شرکت واحد تهران و حومه هستند 6- اسعد مولود زاده 7- خسرو صدیقی 8- ابراهیم اسماعیلی 9- سلام قادری از کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری 10- بهنام ابراهیم زاده 11 - مهدی فراخی شاندیز از کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های کارگری 12- ابراهیم اسماعیل پور 13- صدیق خسروی، 13- عمر اسماعیل پور

جدا از این در حال حاضر بیش از 90 نفر از اعضای کمیته ی هماهنگی دارای پرونده ی قضایی می باشند که بعضی از آنان با حکم وثیقه آزاد هستند و بعضی نیز با حکم تعلیقی، از کمیته پیگیری تمامی اعضای آن نیز دارای پرونده ی امنیتی و قضایی هستند.

در مورد اتحادیه ی آزاد کارگران باید گفت که : فواد کیسخروی، جوانمیر مرادی و طاهای آزادی دارای پرونده ی قضایی هستند، در مورد کانون مدافعان حقوق کارگر علیرضا اخوان و علیرضا تقی دارای پرونده می باشند که هر دوی قید وثیقه آزاد می باشند

در زیر

پیام های رسیده به مراسم را به اطلاع شما میرسانیم:

پیام مریم محسنی
فعال کارگری ایران

به مراسم " شب همبستگی برای آزادی همه ی زندانیان سیاسی و فعالان کارگری " - گوتنبرگ

رفقا، دوستان ، حضار محترم با درود حدود یک سال ونیم است ، از جنبش عظیم ضد استبدادی وبه خیابان آمدن میلیونی مردم در ایران می گذرد جنبشی که زمین را زیر پای حاکمان جمهوری اسلامی به لرزه در آورد و در کشتی امن وآسوده خیالی آنان برای سالیان دراز حکومت وخلافت ترک انداخته است . کشتی شکستگانی که اکنون می کوشند با شنا کردن در دریای خون ، خود را به ساحل نجات برسانند .

جنبش کارگری ایران نیز همواره در مبارزات دموکراتیک و ضد استبدادی بر علیه حکومت جمهوری اسلامی شرکت داشته است و اکنون پس از سه دهه تلاش وجانفشانی به قله های بلندی دست یافته است . که تشکیل سندیکای شرکت واحد وسندیکای هفت تپه ، از آن جمله اند . اما بدست آوردن این پیروزی ها آسان نبوده است . جنبش کارگری ایران طی سه دهه گذشته ، یاران بسیاری را از دست داده است وهم اکنون نیز بسیار یارانش در زندانها وشکنجه گاهها بسر می برند منصور اسالو - ابراهیم مددی - رضا شهابی - بهنام ابراهیم زاده - غلامرضا غلامحسینی وهمایون جابری و... از آن جمله اند . چه بسیار شیر زنان شجاع و دلاور مردانی نیز که در دهه 60 و در سیاه ترین دوران شکنجه واعدام ، جان عزیزشان را نثار آزادی طبقه کارگر کردند . ما در مقابل این فداکاری ها وجانفشانی ها که دست یابی به موفقیت های کنونی در جنبش کارگری بدون این فداکاری ها میسر وممکن نمی بودسرتعظیم فرود می آوریم و، با آن ها پیمان می بندیم که از آرمانهای آنان که محور نوع نظام سلطه وستم واستثمار وسرمایه واستبداد است ، پاسداری خواهیم کرد .

رفقا ، یاران جنبش کارگری

اکنون که صدای ترک وشکستن استخوانها ی نظام خلافتی اسلامی ، از جای جای جامعه از دانشگاه گرفته تا کارخانه وخیابان به گوش می رسد . وفریاد حق طلبی را امروز در همه جا از میان کارگران سیمان درود ، نساجی قائم شهر ، از میان بازنشستگان تامین اجتماعی ، از میان معلمان خرید خدمتی ، پرستاران و... می شنویم ، بیش از هر زمان در 30 سال

"طرحی نو" چه، آنجا که دیگر ناوایی ها هم، نان قرصی به

کارگران ندهند، چاره ای جز درهم شکستن بنای سرمایه سالاری نیست و اراده ای را یارای مقابله با جنبش حق خواهی شکم گرسنگان نخواهد بود. حتی اگر آن اراده، اراده ی نظام تجاوز و زندان و اعدام حاکمیت اسلامی باشد. از این رولازم است. بصوف خود را به هم فشرده تر کنیم. برپراکندگی میان خود غلبه کنیم و از هر نوع اقدامی که در میان ما شکاف ایجاد می کند بپرهیزیم. جنبش کارگری جنبش تک ستاره ها نیست. جنبش کارگری، جنبش ورزش پرشکوه میلیونها انسان برای محور نظامی است که در آن قرار است "هیچ بودگان هرچیزگردند !!!".

اگر طبقه کارگرفرانسه خیابان ها را تسخیر کرد. طبقه کارگرایران کاخ حاکمان اسلامی را ویران خواهد کرد و دیر خواهد بود آن روز که کاخ نظام خلافتی سرمایه داری اسلامی بر سرآنان ویران گردد و طوما راین نظام زور و ظلم، ستم و استبداد، شکنجه و اعدام درهم پیچیده شود. آنروز دیر مباد. به امید آن روز

مریم محسنی

19 آبان 1389 برابر 10 نوامبر 2010

پیام بهروز خباز فعال کارگری ایران

به مراسم " شب همبستگی برای آزادی همه ی زندانیان سیاسی و فعالان کارگری "

با سلام خدمت رفقا و عزیزان حاضر در مراسم؛

امروز جنبش کارگری ایران در شرایط بسیار بغرنجی به سر می برد، کارگران بیش از پیش قدرت خرید خود را از دست داده و از امنیت شغلی تنها نامی بیش باقی نمانده است، واقعیت این است که حاکمیت سرمایه داری ایران، تهاجم خود را به سفره خالی کارگران بیش از پیش وسعت داده و تحرکات کارگری را به عقب رانده است، به طوری که مبارزات کارگری در ایران عمده حول پرداخت حقوق ها که ماه ها و گاه چند سال به تعویق افتاده دور می زند، این به عقب راندگی در حدی است که کارگران خواهان پرداخت به موقع همین دستمزد های بخور و نمیر هستند. سرمایه داران با اتکاء به نیروی کار ارزان، بیش از پیش اقدام به اخراج کارگران کرده و به رقابت در بین کارگران برای به دست آوردن کار دامن می زنند. آنان به این نیز اکتفا نکرده و به تدریج قراردادهای سفید امضاء را جایگزین قراردادهای موقت کرده اند. این وضعیت در کارگاه های زیر ده نفر که از شمول قانون کار خارج گشته اند، بسیار هولناک تر است، در این کارگاه ها، ما ابداً شاهد پرداخت همین حداقل دستمزد 303 هزار تومان که کفاف حتی 10 روز از زندگی کارگران را نمی دهد، نیز نیستیم.

بلی عزیزان، امروز در ایران فقر بیداد می کند، کارگران به مشاغل دوم و سوم روی آورده اند، تعداد کودکان کار، مدام رو به افزایش است، میلیون ها کارگر خانگی که اینان را عمده زان و کودکان تشکیل می دهند، در قبال دریافت دستمزدهای باور نکردنی، بخش عمده ای از مونتاز تولیدات در ایران را برعهده گرفته اند.

در چنین وضعیت اسف باری، رزمندگان کارگری با جان فشانی در کنار این هم طبقه ای های شریف و زحمت کش قرار دارند، آنان به رغم سرکوب های بی امان، زندان و شکنجه ی حکومت سرمایه داران، بر رسالت خویش در این موقعیت، مبنی بر انتقال آگاهی، حمایت بی دریغ و ترغیب و کمک به سازمان یابی توده ای کارگران پای فشرده و با قرار گرفتن در کنار کارگرانی که زیر تیغ سرکوب حکومت قرار دارند، مبارزات توده ای کارگر را گام به گام همراهی نموده، مصائب و زندگی کارگران را به جهانیان انعکاس می دهند، آنان طبقه ی کارگر جهانی را برای پیشبرد مبارزات کارگری به کمک طلبیده و آرزومند برپایی انترناسیونال کارگری هستند.

من به رفقای " کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ" برای تدارک و برگزاری این مراسم خسته نباشید می گویم و به تک تک فعالینی که بی دریغ از مبارزات کارگران و پیشگامان کارگری حمایت کرده و تشکل های کارگری دیگر کشورها را به حمایت از جنبش مستقل کارگری ایران فرا می خوانند صمیمانه درود می فرستم و دست شان را به گرمی می فشارم.

زننده باد جنبش مستقل کارگری

بهروز خباز

9 نوامبر 2010

پیام تلفنی محمود صالحی

فعال کارگری ایران

به مراسم شب همبستگی با کارگران زندانی و زندانیان سیاسی ایران در شهر گوتنبرگ

سلام دوستان ، خسته نباشید و سر حال باشید .
از اینکه می شنوم چنین برنامه ای است خوشحالم . درسازماندهی این امر به تمام بچه هایی که در این راستا فعال بودند، تشکر می کنم و از حضار محترم هم تشکر می کنم که در این شب همبستگی شرکت کردند .
دوستان خوب از آنجایی که پیداست شب همبستگی با زندانیان سیاسی و کارگران زندانی است . از من هم می خواهند چند کلمه در این رابطه حرف بزنم . من نیاز به سخنرانی ندارم . اما می خواهم ، دوستان به این موضوع توجه کنند. دوستانی که می آیند پشت تریبون صحبت کنند . باید حتما روی این موضوع متمرکز بشوند که آیا زندانیان سیاسی و اصلا زندانی سیاسی در کشور ما تعریف شده است ؟ من می گویم ؛ نه . چون که زندانی سیاسی در کشور ما هنوز تعریف نشده است . حتی فرهنگ زندانی سیاسی در کشور ما اصلا نیست . اگر ما به عقب برگردیم به دهه شصت (60)، در دهه شصت (60) کسانی که در زندان ها بودند. همه آرم "ضد انقلاب" را به آنها می چسپانند، حالا دیگر آرم "ضد انقلاب" خارج شده و به اینها "امنیتی" می گویند که این خیلی خطرناک است، اصلا زندانیان سیاسی در واقع "امنیتی" نیستند . زندانیان سیاسی، خودشان اسمشان مشخص است . زندانی سیاسی یعنی کسی است که به حاکمیتی که امروز داره حکم صادر می کند، می گوید؛ من معترضم . می گوید؛ من به معضلات و به مشکلاتی که در سطح جامعه است ، من به آن معترضم . زندانی سیاسی در دل همین جامعه پیدا شده است و در دل همین جامعه فکری کند و به این وضعیت معترض است. نه اینکه او را با انگ "امنیتی" تعریف کنند و به او آرم "امنیتی" زنند. چند سال پیش با زندانیان سیاسی در درون زندان ها حرف می زدم، می گفتند به ما می گویند "زندانی امنیتی"، یک طرف دیگر هم زندانیان عادی دسته بندی می شوند و زندانیان سیاسی اسم خودشان را گذاشته اند "امنیتی" ، همانی که در پرونده شان نوشته شده است . اما ما زندانیان امنیتی نیستیم . آنهایی که در زندانند، امنیتی نیستند. آنها زندانیان سیاسی هستند. من از دوستان می خواهم ؛ آنهایی که پشت تریبون صحبت می کنند ، روی این فکر کنند ، ما باید فرهنگ زندانی سیاسی را زنده کنیم . زندان سیاسی چی است و به چه کسی می گویند. این برای ما هم است . دوستانی که آنجا هستند و آنجا نشستند باید روی این متمرکز شوند و این را بزرگ کنند، که زندانی سیاسی چی است؟ ما زندانی "امنیتی" نداریم ما نه بمب گذاریم و نه هیچی! اگر الان از دل پرونده های که برای زندانیان سیاسی تشکیل شده است ، نگاهی بندازیم. اکثر آنها به شدید ترین مجازات اسلامی محکوم می شوند. کسی که تخریب می کند . کسی که آتش می زند و کسی که خانه را خراب می کند یعنی، همین ها را در ذهنیت مردم کردند که اینها "امنیتی" هستند. باری بچه هایی که امروز آنجا (مراسم شب همبستگی با زندانیان سیاسی) نشستند و دارند در رابطه با زندانیان سیاسی صحبت می کنند ، باید اینرا در نظر داشته باشند که این فرهنگ را برجسته کنیم که زندانیان سیاسی به این اشخاص معترض می گویند.
اما در رابطه با دستگیری ها؛ دیروز و پریروز دوستانی خبر دادند که یک سری از بچه ما در شهر نرفته دستگیر شدند. مشخصا ابراهیم اسماعیل پور، صدیق خسروی، دیروز بعد از ظهر عمر اسماعیل پور هم دستگیر شده است و خلیل شریفیان چند ساعتی بازداشت بود ولی امروز به قید ضمانت آزاده شده است . بهر حال ما زندانیان سیاسی داریم که الان در زندان هستند. مثل بچه های کامیاران، مریوان و جاهای دیگر داریم . اینها همه زیر تیغ محاکمه هستند و دارند محاکمه می شوند ولی فعلا به قید ضمانت آزاد شدند.

موفق و پیروز باشید

محمود صالحی

21 آبان 1398 برابر 12 نوامبر 2010

یادآور گردیم ؛ که لینک صوتی رفیق محمود صالحی در سایت کانون گذاشته می شود.

<http://www.hambastegibakargaran.se>

kanounhambastegi@gmail.com